

صفحة ٢ •

شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۱ • ۲۴ شعبان ۱۴۳۳ • ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۲ • سال نهم

## «مرسی» انحلال یارلمان را پذیرفت

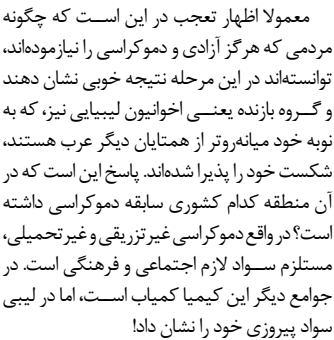


شماره پیاپی ۱۵۷۶ • شماره ۶۵۱ دوره جدید • ۱۲ صفحه + ۲ ضمیمه (۳۲ صفحه) • ۱۰۰۰ تومان

## سرمقاله

## تأثير «قذافي» بر انتخابات «ليبي»

## فریدون مجلسی



عکس: عباس کوثری، شرف

انسانی که قابل ستایش است و همیشه خواهد بود. بنابراین تا زمانی که چراغ تئاتر روشن است، مجال است فراموش کنیم انسانی مانند حمید سمندریان در تئاتر ما چه کرد.» محمدرضا خاکی کارگران تئاتر نیز خود را شاگرد سمندریان خواند و «اگر جشن نمایش «تالیله» که حمید سمندریان آرزوی اجرا شدنش را داشت، اظهار تکرار کرد. افشین هاشمی هم اجرای روز تعطیلی تئاتر به یاد حمید سمندریان گفت. اما حسین کیانی در مقابل این نظر گفت: ما تئاتر را تعطیل نکردیم بلکه افتخار می‌کنیم برای نخستین بار تئاتر ایران به خاطر حمید سمندریان یک شب اجرا نمی‌شود. تئاتر ایران در سال حمید سمندریان ششصد و شصت و یک سال به تنهایی نمایشگاه است.»

خاکی بلکه همه تئاتر را برای ما ترجمه کرد و به ما به جای یک دقیقه، یک شب به احترام او سکوت کردیم.» با آمدن روز پوز پرور حسینی به جایگاه صحبت، سکوتی سرد همه سالن را در بر گرفت. پورحسینی که بغضش را فروخورده بود، با بیان اینکه نمی‌توانم حرف بزنم ولی باید بزنم گفت: «حمید سمندریان جایگزین ندارد. با جدیت تئاتر را آغاز کرد و در طول بیش از ۵۰ سال با ما به حدت دنباله کار تئاتر را گرفت. درباره حال امروز هم می‌گویند که در دنیا آنقدر غمت سنگین است که هلاج و واج می‌مانی و نمی‌توانی حرف بزنی و ما امروز چنین حالی داریم.» اسماعیل خلیج نمایشنامه‌نویس و بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون هم چاکه به هرگز او را بیرون ندیدیم و هرگز اینتر آسمد،مادر هرگز که تئاتر صحبت کند.

شبنمیدر چر درباره تئاتر صحبت کند.

حقیقت دوست، امیرجعفری، احمد مهران، فرزین محدث، جلال الدین معریبان، سینا زانی، علیرضا ناصحی، هادی عامل و مسعود دلخواه آن هنرمندانی بودند که به چشم می آمدند. برنامه را کلشن کارگردانان تئاتر خانه تئاتر برگزار می کرد. هر طیف تئاتری نیز به این برنامه آمد. بودند، از ایرج که از مرگ استاد جریان سفت گرفت و اسماعیل خلیج که از خنده های می پایان مسنمریان گفت تا هنرمندانی که همه از اجزای آنده های گالیله گفتند. یکی از جماعتی که چندین بار در این مراسم تکرار شدند این بود که مسنمریان هیچ وقت حاضر نشد جز از

تئاتر از هیچ چیزی دیگر بگوید. ایران را مدبر مداخله خانه تئاتر نخستین یاد می‌دهد که این نکته اشاره کرد و گفت: تئاتر ما یکی از بزرگ‌ترین و استوارترین خود را از دست داد. کسی که هم کارگران بسیار خوبی بود و آثار چهران اسرار اجرا کرد و هم دانشمندان هنرجویان بسیاری را برای اندام دادن راهش تربیت کرد. حمید مستدیان این

جز از تاتار نگفت همیشه از تاتار می گفت و همه عشقش به این هنر بود حتی در شرایط بیماری از تاتار سخن می گفت. می گفت امیدوار است حالش خوب شود و دوباره کار کند. از آرزوهایش می گفت و آنچه دوست داشت اجرا کند، او همیشه زنده است.» اسماعیل شنگله از شاگردان و دوستان قدیمی سهمندریان که تا لحظه های آخر باقی سر او بود، از ارزش های شخصیت این استادان گفت: «اسماعیل همیشه می گفت از شاگردان آموتخام حمید سهمندریان انسان بود

داشتند برای باور این خبر به خاله‌شان رفتند تا شاید هما روستا  
این خبر را تکذیب کند. اما خبر همایی بود که همه شنیده  
بودند. مجموعه تماشایخانه ایرانشهر نخستین نهاد تئاتری بود  
که اعلام کرد چراغ‌های این تماشایخانه که بخشی از آن به  
نام استاد سمندریان است، خاموش خواهد شد که بعد از آن نیز  
خبر تعطیلی اداره‌های تئاتر اثر شد. تعطیلی‌ای که به خواست  
هنرمندانی بود که اجرا داشتند. ساعت شش به‌عازر یونی  
که پیامکی از اهالی تئاتر دعوت می‌کرد تا ساعت هفت یعنی  
ساعتی بعد از تئاتر بنشیند بود هم جمع شوند جمعی که هیچ

برنامه‌ریزی خاصی برای آن نشده بود. اما ساعت هفت نشده لایه‌های سبیل اصلی تاتر شاهر و فاضی مقلان آن را پارک داشجو و از هنر زمانه شناخته‌شده تاتر، شاگردان و علاقه‌مندان به سمنریان شده بود. دختران و پسران جوانی که با چشمان مملو از اشک و بغض‌هایشان آمده بودند تا آخرین دماغه را با استاد داند بلند نمایند.

در مقابل تاریخ اصلی جایی که سه سال پیش آخرین اجرای نمایشی که با کارگردانی سمندریان به صحنه رفته بود، یعنی «تلاش با بانوی سالخورده» را دیده بودند. هرچهی آشنا هم کم نبودند. پیام دهمردی، هنگامه قاضیانی، الهام پناوند، رویا عمرعلی، محمد چرمشیر، مسعود فروتن، محسن تابنده، عبدالجلی شامی، هدایت هاشمی، زهر صبری، آرش داگداز، هادیون غنی‌زاده، شیرین یزدان‌بخش، محمد پورآفری، نگار عابدی، محمد عابدی، عظیم موسوی، آیدا کجاسی، شهرام

**گروه ادب و هنر، روزانه ابراهیم زاده،** پرچم تاتار نیمه‌افراشته شد و در سوگ حمید سمندریان چراغ تماشاخانه‌های پایتخت خاموش. برای نخستین بار در تاریخ ۱۶۰۱۵۰ ساله تاتار، غم در گذشت یک هنرمند تاتار آن را تعطیلی کشاند. غم غوج هرندفت که تنها یک اسم بود، بخشی از تاتار کشور بود و هر قدر که خانواده تاتار را به نامت نشانند حمید سمندریان یکی از ستون‌های تاتار کشور بود. که صبح روز پنجشنبه ۲۲ تیر فروریخت. هر چند که حضور جودوش و بدو، برلمانی‌ری دوستداران این هنرمند بزرگ که به اعتقاد همه منتقدان و موافقان تاتار نبودنش جبران ناپذیر است - در تاتار شهر نشان داد که روح و تاتار همه سمندریان جاودانه شد. خبر همه شیهه کوتاه اما تلخ و عمیق بود. شبیه زلزله‌ای که کبره آوار می‌شود و بعد از لحظه‌ای همه جامعه تاتار را در شوک این خبر فرو برد. با اینکه مدت‌ها بود همه از بیماری سخت استاد خبردار بودند اما باور رفتن مردی که تا هفته قبل با وجود بیماری کلاس‌هایش را تعطیل نکرده و قرار بود چند ماه آینده نمایش‌های تازه را به صحنه ببرد، بر کردار مردم نیست اما سخت بود. هر چند که چهارشنبه شب بعضی افسانه‌ها مایان از شاگردان شناخته‌شده سمندریان در مراسم افتتاحیه نمایش ۳۲ درصد نیل سایمون در حادانه تلخی می‌داد. اما همه امیدوار بودند به لحظه‌هایی که می‌آمد و معجزاتی که شاید باید اتفاق می‌افتاد. اما قلب استاد بسیاری از اهالی تاتار در نخستین ساعت روز ۲۲ تیر از حرکت ایستاد. هنوز روز پنجشنبه آغاز شده بود و خبر در میان اقامت‌نهاد تاتار و خانواده تاتار منتشر شد. بسیاری از کسانی که درس خانۀ حمید سمندریان و مها و رستا را در خیابان پرچم‌گهر

میه



با گفتار و آثاری از:  
عباس عبدی، محمد هاشمی  
و هاشم صباغیان



## زیر تیغ

با گفتار و آثاری از:  
صالح نیکبخت، علی نجفی توانا  
و یوسف مولایی

## حرف اول

## استاد چند نسل

احمد مسجد جامعى



روشن‌ترین ستاره‌ها، ستاره‌های هنرمندی  
ازنامه شاگردان آنان است. حمید سمندریان هنرمندی  
است که شخصیت‌هایی چون عزت‌الله انتظامی که امروز  
چهره‌های سرشناس هنر ایران است، خود را شاگرد او  
می‌داند و به شاگردی‌اش افتخار می‌کند. نگاه به اسامی  
کسانی که خود را شاگرد او می‌دانند، خود گویند از  
پیش‌سختی است در وصف او؛ گاه دوستا، قطب‌الدین  
یاقفی، رضا کیانیان، امیر آدینه، مهدی هاشمی،  
مهر خیراندیش، حمید فرزاد، محمد یعقوبی، محمد  
حمایان و بسیاری دیگر؛ سال‌ها پیش هنگامی که در  
ارت فرنگ و ارشاد اسلامی هم‌سوی‌تیم داشتیم، پیگیری  
«نماز» «مشائخانه‌اش» بودیم، بنا بر این بود که  
نمایند مشائخانه به تنگ و تنگ‌تر می‌رسد. پیگیری  
نم‌موضوع با آمدن آقای احمدی‌نژاد متوقف و سپس با  
تغییر و تحولاتی که در شهرداری تهران رخ داد، دوباره  
پیش می‌رفت. ما همچنان به اعتبار عضویت در شورای شهر  
راطلاعی داشتیم که به هنرمندان داشتیم، پیگیری این موضوع  
بدریاد قرار بر این شد که دو سالان این مشائخانه را  
بنام به نام یکی از چهره‌های سرشناس و موثر تئاتر ایران  
مگذاری شود، یکی به نام کارگردان و هنرمندی بنام و  
دیگری به نام یکی از کسانی که در حوزه نوشتن متون  
مایه‌ت تاثیرگذار باشند. گروهی که برای نامگذاری انتخاب  
کرد، بودند، درباره کارگردان بسیار زود به نتیجه رسیدند و  
«حمید سمندریان» روی یکی از سال‌ها، نام نقش شد.

ادامه در صفحه ۲

سازمان آگهی های روزنامه شرق  
تلفنی آگهی می پذیرد.

1 1 9 5 1 5 7 5  
 1 1 7 1 2 1 2 1  
 1 1 7 9 1 7 7 .  
 1 1 7 9 . 4 2 .



شرق

3000 46 99

**معرفی آژانسهای مسافرتی  
و هتل ها و مراکز گردشگری**

|           |                     |
|-----------|---------------------|
| ۲۲۹۰۲۲۰۲  | دلتابان (روسیه)     |
| ۲۲۹۲۰۹۳۳  | دلتابان (خلیج فارس) |
| ۲۲۲۲۲۲۴۲۶ | دلتابان (بلغارستان) |
| ۸۸۵۳۹۳۰۰  | آتیو                |
| ۸۸۳۸۱۹۱۹  | ارگ جدید            |
| ۸۸۷۲۲۹۷۵  | ایران دوستان        |
| ۸۸۸۴۹۹۷۵  | پارسیان مهر گشت     |
| ۲۲۰۲۰۰۱۱  | پاسارگاد            |
| ۴۴۹۵۱۵۲۵  | شرق پویا            |

رجوع شود به صفحه ۱۱۹

